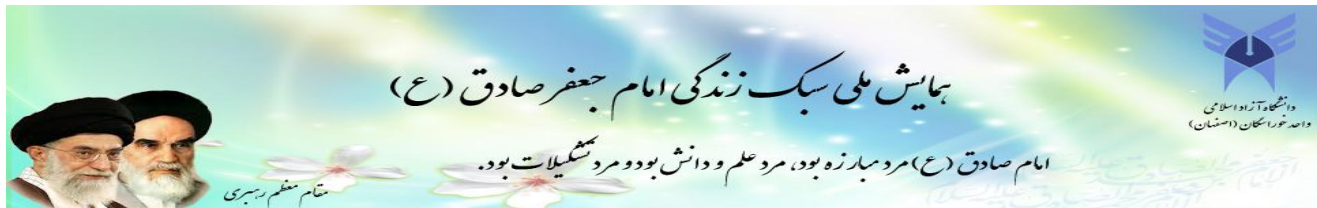


بررسی تفاوت ماهیت سبک زندگی از دید غرب و اسلام و منشور سبک زندگی از منظر امام صادق(ع)

- پروانه شمس نجف آبادی، دبیر فیزیک (نجف آباد)، کارشناس فیزیک، کارشناس ارشد بیومکانیک، دانشگاه آزاد تهران مرکز، ۰۹۱۳۳۳۳۳۱۹۷، (parishams2005@gmail.com)، نجف آباد، خیابان امام خ بوستان جنوبی
نبش بن بست توحید منزل شمس ۸۵۱۸۶۴۴۳۷۳
- معصومه ولایتی نجف آبادی، دبیر تربیت بدنی (نجف آباد)، کارشناس تربیت بدنی، کارشناس ارشد مدیریت امور فرهنگی دانشگاه آزاد خوراسگان، ۰۹۱۳۱۳۳۵۷۱۳، (mvelayati27005186@yahoo.com)، نجف آباد
خیابان رضایی جنوبی کوچه افشان سالن فتوت کد پستی ۸۵۱۸۶۷۳۶۳۱
- احمد ربانی، دبیر ریاضی (نجف آباد)، کارشناس ریاضی، ۰۹۱۳۱۳۳۵۷۱۳، (Arabbani89@yahoo.com)
، نجف آباد خیابان رضایی جنوبی کوچه افشان سالن فتوت کد پستی ۸۵۱۸۶۷۳۶۳۱
- الهه محنتی نجف آبادی، دبیر پرورشی (زرین شهر)، کارشناس علوم تربیتی، کارشناس ارشد مدیریت امور فرهنگی دانشگاه آزاد خوراسگان، ۰۹۱۳۱۳۳۵۷۱۳، (mehnati92@gmail.com)، نجف آباد خیابان رضایی جنوبی
کوچه افشان سالن فتوت کد پستی ۸۵۱۸۶۷۳۶۳۱



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

چکیده:

ارائه تعریف دقیق و علمی از اصطلاحات مورد کاربرد در موضوعات اجتماعی همچون « سبک زندگی » امری اجتناب ناپذیر و ضروری است. از، طرفی، تمام تعاریف موجود در این خصوص، توسط نظریه پردازان اجتماعی غربی ارائه شده و صاحب نظران اسلامی - ایرانی نیز متأسفانه بدون ارائه تعریف بومی - اسلامی از سبک زندگی، مبنای تحقیقات خود در این زمینه را بر تعاریف غربی ها بنیان نهاده اند؛ در حالی که مفهوم اجتماعی « سبک زندگی » بین فرهنگ غربی و اسلامی، صرفاً یک اشتراک لفظی است و مفهوم حقیقی، شالوده و چستی آن، که منتزع از نوع نگاه و تعریف هر فرهنگ بدان، کاملاً متفاوت از همدیگر است. این تحقیق از نوع کتابخانه ای بوده، با روش تحلیلی انجام شده است. نتایج نشان میدهد: ریشه و علت اصلی اختلاف در تعریف از « چستی » سبک زندگی در فرهنگ خودی و غرب، دو چیز است:

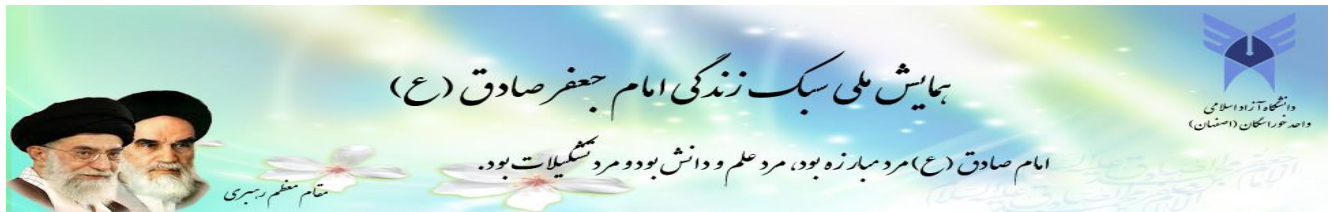
۱) تضاد در جها نبینی و تفسیر از خود « زندگی »

۲) تضاد در فلسفه و هدف غایی

با اعتقاد به نقش اساسی و مهم ادیان در تبیین و تشریح چگونگی انتخاب سبک زندگی برای پیروان و رهروانشان باید پذیریم که در میان این ادیان، دین مبین اسلام دارای بیشترین کارکرد و امتیاز در خصوص چگونگی هدایت و رهنمون سازی مقلدانش در انتخاب و اعمال سبک زندگی است. مویده این ادعا وجود ده ها آیه در کتاب مقدس مسلمانان «قرآن کریم» است. پیامبرگرامی اسلام و ائمه معصومین (ع) نیز با توجه به اهمیت موضوع و نقش مهم آن در ایجاد یک مدینه فاضله و اجتماعی خدامحور و دین گرا به کمک بشریت آمده و با روایات و احادیث و نیز سنت و سیره و روش خویش سعی در ایجاد بستر و فضایی معنوی، رهنمون سازی سبک زندگی ارزشی و سالم برای مسلمانان نموده اند.

در این تحقیق بر آن شدیم تا سبک زندگی (اسلامی - ایرانی) را از دیدگاه امام صادق (ع) بررسی کنیم پس با گشتی در احادیث و نقل قول های ذکر شده در کتابهای موجود این مهم را به جستجو و بحث نشستیم.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، چستی و ماهیت، فرهنگ اسلامی، امام صادق (ع) و سبک زندگی



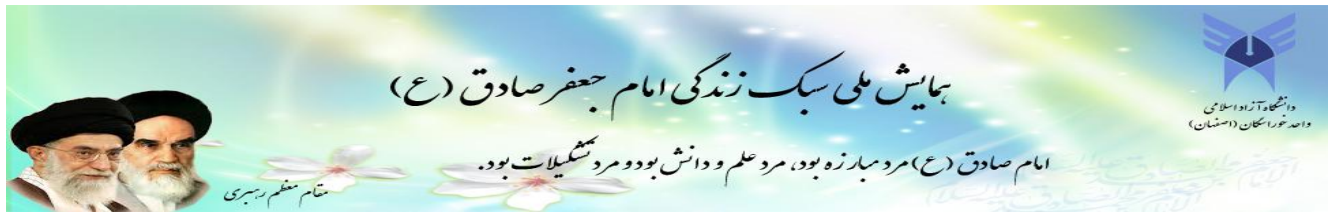
مقدمه

سبک و نوع زندگی مردمان هر جامعه ای به میزان بسیار زیادی ناشی از فرهنگ عام و خاص آن جامعه است. مقصود از فرهنگ عام مجموعه ای از هنجارها، ارزش ها و رفتارهایی است که در تمام سطوح و لایه های آن جامعه رسوخ و نفوذ دارد و مردمان آن در طی سالیان دراز ضمن پذیرش اصول و مبانی فکری و عقیدتی آن فرهنگ در رفتار، گفتار و منش زندگی روزمره خویش با عمل به این اصول، پابندی خود را نسبت به فرهنگ غالب و حاکم بر جامعه به صورت غیر لسانی و نمادین اعلام و اظهار می کنند.

موضوع سبک زندگی در جامعه ما، از جمله موضوعات جدید به شمار می رود که چند سالی از عمر ورود آن به مباحث بومی نگذشته و هنوز به گفتمانی شاکله دار، مستحکم و تا حدودی اجماعی (به لحاظ مفهوم سازی) تبدیل نشده است؛ به طوری که در حال حاضر محققان زیادی در حال قلم زدن در مورد آن و مباحث مربوط بدان هستند.

بر همین اساس، یکی از مباحث عمده در موضوع شناخت «سبک زندگی» که برای تحقیقات نظری و عملی آیندگان راه گشاست و نقش اساسی دارد (و تا حدودی نیز متأسفانه از آن غفلت شده است) بحث عدم توجه به اختلاف ماهوی نگاه غربی و اسلامی به «چیستی» سبک زندگی در تعریف از «سبک زندگی» است. این امر چنان که توجه کافی بدان مبذول نشود و محققان ارجمند، نقشه ابتدایی و ترسیم اولیه دقیقی از طرح بحث در این خصوص نداشته باشند، خود، عاملی خواهد بود برای انحراف بحث از نقطه هدفی که بایستی دنبال آن بود و حول آن جولان داد. در واقع؛ نقطه شروع و گام ابتدایی بحث که همان تعریف از چیستی «سبک زندگی» است، به جای «رهنما» بودن، «رهزن» خواهد شد.

اعتقادات دینی و مذهبی و عقاید و نگرش های ذهنی و حتی قلبی نشأت گرفته از آن در هر جامعه ای به طور مستقیم بر فرهنگ حاکم بر عامه مردم تأثیرگذاری عمیق دارد. در همین راستا اگر به سبک زندگی و نوع رفتارها و افعالی که توسط جوامع و ملل مختلف ساکن در کره زمین نیم نگاهی داشته باشیم در خواهیم یافت که بسیاری از رفتارهای زندگی که شامل نوع پوشش، برخوردهای اجتماعی و گفتمان غالب جامعه، شیوه حیات خصوصی و عمومی، نوع

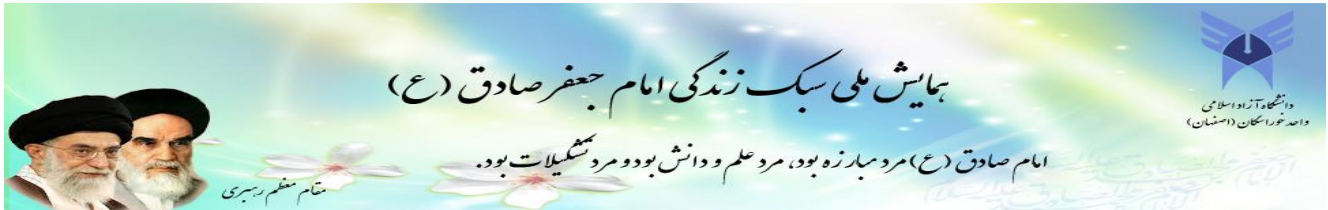


تشکیلات خانواده و تعامل بین اعضاء خانواده و چگونگی روابط بین والدین و فرزندان و... تا اندازه زیادی متأثر از آموزه های دینی و اعتقادی آنان می باشد؛ چرا که تمامی ادیان آسمانی و حتی غیر آسمانی نیز در خصوص چگونگی و سبک و سیاق زندگی دارای رهنمود و پیام هستند و هیچ دین، مذهب، کیش و آیینی را نمی توان یافت که در این امور مهم حیات بشری و سبک زندگی پیروان و مریدانش مسائل و مباحثی را مطرح نکرده باشد.

با اعتقاد به نقش اساسی و مهم ادیان در تبیین و تشریح چگونگی انتخاب سبک زندگی برای پیروان و رهروانشان باید پذیریم که در میان این ادیان، دین مبین اسلام دارای بیشترین کارکرد و امتیاز در خصوص چگونگی هدایت و رهنمون سازی مقلدانش در انتخاب و اعمال سبک زندگی است و هیچ دین و مذهبی به اندازه اسلام در باره این امر مهم تأکید و توصیه نکرده است. موبد این ادعا وجود ده ها آیه در کتاب مقدس مسلمانان «قرآن کریم» است که از بدو تولد انسان تا زمان مرگ و حتی پس از حیات دنیوی و برای حیات اخروی نظرات و پیام های بسیاری را در خود دارد و خداوند متعال در این کتاب نه تنها چگونگی انجام زندگی معنوی و سالم را برای مسلمانان به ارمغان آورده است بلکه پیامبرگرامی اسلام و ائمه معصومین (ع) نیز با توجه به اهمیت موضوع و نقش مهم آن در ایجاد یک مدینه فاضله و اجتماعی خدامحور و دین گرا به کمک بشریت آمده و با روایات و احادیث و نیز سنت و سیره و روش خویش سعی در ایجاد بستر و فضایی معنوی، ریل گذاری، کانالیزه کرن و رهنمون سازی سبک زندگی ارزشی و سالم برای مسلمانان نموده اند.

از طرفی دیگر سبک زندگی دارای مراتب و انواع مختلف چون سبک زندگی فردی، اجتماعی، خانوادگی و... است. یکی از اصول اساسی و پایه های مهم دین اسلام، اصل اجتماعی است تا انسان را از زندگی فردی و خزیدن در کنج عزلت و تنهایی برهاند و او را به سوی زندگی جمعی و اجتماعی سوق دهد.

به عنوان مقدمه باید گفت که بین دو مبحث «نوع سبک زندگی» و «ماهیت سبک زندگی» تمایز است؛ زیرا اولی، به جنبه چگونگی سبک زندگی اشعار دارد که از مسیر توصیف وضعیت موجود سبک زندگی یک شخص یا اشخاص معین حاصل میشود و بیشتر جنبه عملی دارد. اما چپستی سبک زندگی، تقریباً گام نخست در مباحث مربوط به سبک زندگی است که بیشتر جنبه نظری دارد و به بحث از ماهیت و چه چیز بودن سبک زندگی می پردازد و چه بسا به عنوان مفروض ذهنی محقق، در قلم ظاهر نشود؛ اما در هر حال، هر محقق در حوزه سبک زندگی، تحقیق خود را مبتنی بر تصویری (چه صواب و چه ناصواب) از آن استوار می دارد؛ بدین معنی که هر مقاله، کتاب، گزارش تحقیقی و... که در موضوع سبک زندگی صورت گیرد، ناگزیر بر پایه نگاه و تفسیری است که محقق و مجری آن طرح از مفهوم پایه ای و



چیستی «سبک زندگی» دارد و بر اساس همان نگاه (چه درست و چه غلط)، نحوه بررسی موضوع، اولویتهای بحث، چیدمان مطالب و ... مشخص می شوند. لذا بدون چنین تصویری و آگاهی از مفهوم و ماهیت موضوع، بحث از جوانب و مباحث مربوط به سبک زندگی امکان علمی ندارد. برای مثال؛ تمام افرادی که در مورد سبب و خواص و فواید آن دست به قلم می شوند، بی تردید تصویری شفاف از ماهیت و چیستی سبب دارند و بر اساس نوع نگاه و تعریفی که از چیستی سبب دارند -مثل اینکه: «سبب یک نوع میوه است که تنوع رنگی و مزه ای (شیرین و ترش) دارد و...»- زبان به ستایش یا نکوهش آن بازمی کنند. با این حساب، هدف این تحقیق، پاسخ به پرسش های عمده است:

(۱) آیا برای آشنایی و شناخت از تعریف سبک زندگی، رجوع به نظرات متفکران غربی در این زمینه و توجه به نوع نگاه آنها به چیستی سبک زندگی، لازم و کافی است؟ یا اینکه؛ لازم است، ولی کافی نیست و بایستی از تعریفهای بومی نیز استفاده و آنها را با هم تلفیق کرد؟ یا اینکه؛ نه لازم است و نه کافی و نه تلفیق شدنی و لزوماً باید از نوع نگاه خود به سبک زندگی که نشئت گرفته از جهان بینی خاص بومی (اسلامی - ایرانی) در مورد چیستی و ماهیت سبک زندگی است، بهره گرفت؟ که در این صورت باید به احادیث و سخنان پیامبران و امامان و معصومین دین اسلام مراجعه کرد.

(۲) در صورت یکسان نبودن نگاهها و شناخت از چیستی و ماهیت سبک زندگی در فرهنگ اسلامی - ایرانی و فرهنگ

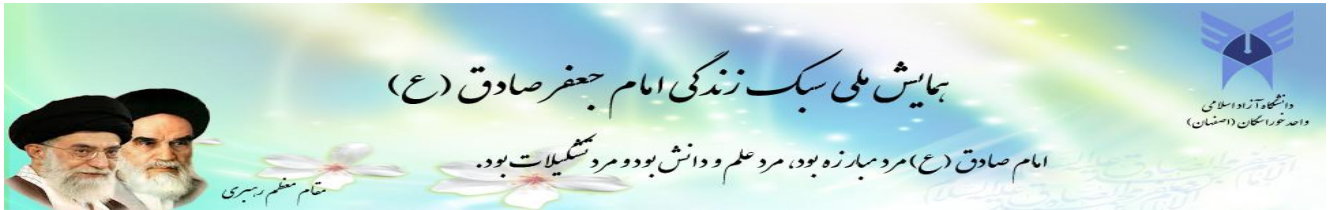


این
خدای
فردی
توسط
سعادت
است
مطرح

(۳) جهان بینی الهی:

جهان بینی مبتنی بر سه اصل است: (۱) اعتقاد به یگانه (۲) اعتقاد به معاد و زندگی ابدی برای هر از انسان در عالم آخرت (۳) اعتقاد به بعثت پیامبران خدا برای هدایت بشر به سوی کمال نهایی و دنیا و آخرت. این اصول سه گانه در واقع پاسخ هایی به اساسی ترین سؤالاتی که برای هر انسان آگاهی می شود: مبدأ هستی کیست؟ پایان زندگی چیست؟

از چه راهی می توان بهترین برنامه ی زیستن را شناخت؟



مقام معظم رهبری، در این خصوص، می‌فرمایند: «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است؛ هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌شود.»

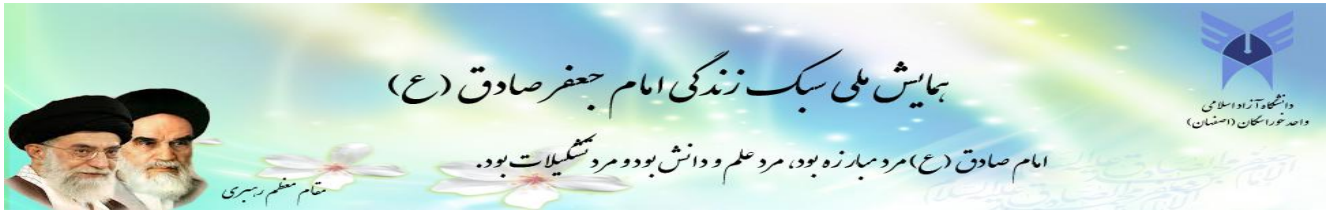
این تحقیق از نوع کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی است. چنان‌که توضیح داده شد، پیشینه بومی که به صورت جدی به این وجه از موضوع سبک زندگی بپردازد، از جانب نگارنده مشاهده نشده است. پس سعی شده تا در این تحقیق با استفاده از تاریخ «بومی، دینی و اسلامی»، فرهنگ، ایدئولوژی و جهان بینی اسلامی این مهم یعنی سبک زندگی اسلامی - ایرانی را به خصوص از منظر امام صادق (ع) به تصویر بکشیم.

وجود اختلاف در «هویت» سبک زندگی

آنچه در نگاه دینی و اسلامی از «چیستی» مفهوم سبک زندگی فهمیده می‌شود و بر اساس آن به چگونگی و خوب و بد بودن سبک زندگی پرداخته می‌شود، متفاوت از آن تعریف و نگاهی است که در فرهنگ غرب و توسط محققان غربی از «چیستی» سبک زندگی حسب جهان بینی خودشان ارائه می‌شود.

این، یک بحث بسیار جدی و زیربنایی است که وقوع آن در حوزه‌های دیگر و الفاظ دیگر نیز مشاهده می‌شود و متأسفانه عدم توجه به این مطلب، همواره مشکلاتی را در برداشته است. چنان‌که همین بحث، در مورد چیستی و ماهیت «فرهنگ» نیز مطرح است؛ تعریف و نگاهی که غرب به مقوله فرهنگ دارد، به دلیل اختلاف در جهان بینی، ویژگی‌ها و شاخصهای مدنظر، نوعاً بر روی ارزش‌ها و نگرش‌های عرفی و قانونی، آداب و رسوم و آثار باستانی و بناهای تاریخی و مانند آن تأکید دارد و به هیچ وجه به طور جدی به ارزش‌ها و نگرش‌های دینی و مکتبی نظر نمی‌کند؛ در حالی که بخش اصلی تعریف خودی از «فرهنگ» را بی‌گمان، ارزش‌ها، نگرش‌ها، رفتارها و نمادهای دینی جامعه تشکیل می‌دهد. حال فرض شود بین دو متفکر از این دو جامعه (غربی و خودی) بخواهد بحث و مقایسه صورت گیرد که کدام فرهنگ متری و بهتر است؟! در حالی که نوع نگاه به فرهنگ در جامعه خودی که منبعت از چینش بومی اولویتها، شاخص‌ها و ویژگی‌هایی چند برای این مقوله است، متفاوت از آن چیزی است که در غرب تحت عنوان فرهنگ فهمیده می‌شود!

همچنین است در بررسی چیستی مقوله «اجتهاد» در مکتب تشیع و تسنن، که به سبب تفاوت در کارکردها، فلسفه وجودی و اهداف مورد انتظار از فرایند اجتهاد، نوع شناخت و نگاهشان به موضوع اجتهاد، کاملاً مغایر با همدیگر است. لذا آنچه از مصادیق آن، تحت عنوان اجتهاد در میان اهل تسنن یاد می‌شود، از منظر شیعه اصلاً اجتهاد نیست - که بخواهند بگویند نقاط قوتش چیست و نقاط ضعفش کدام است - بلکه اسمش چیز دیگری، تحت عنوان «اجتهاد به رأی» یا در مواردی «قیاس» و «ایستحسان» و ... است. چنان‌که مشاهده می‌شود، محققان

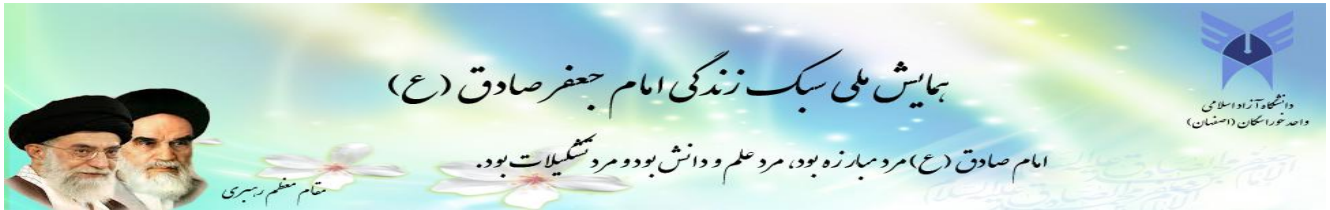


شیعی در مباحث مربوط به اجتهاد، در مواردی که احتمال خلط مبحث وجود دارد، نوع نگاه خود به اجتهاد و مراد خود از فرایند و ویژگی های اجتهاد را، در ابتدای بحث، بیان و به صراحت اعلام می دارند که آنچه از اجتهاد گفته می شود، اجتهاد ذیل این جهان بینی و با شاخص ها و ویژگی های فلان است. عبارت «سبک زندگی» در بین فرهنگ غربی و اسلامی نیز صرفاً یک اشتراک لفظی است و مفهوم ماهوی و چیستی آن، که منتزع از نوع نگاه و تعریف هر فرهنگ بدان است -در دو فرهنگ مذکور- کاملاً متفاوت از همدیگر است. به دلیل آنکه؛ خروجی تعریف از هر چیزی، حسب نگاهی است که انسان نسبت بدان دارد و هرچیزی را آن گونه که می بیند به تعریف و شناساندن آن به دیگران می پردازد. از طرفی -بدون تردید- نوع نگاه انسان نسبت به چیزی، در درجه اول، منبعث از نوع نگاه و جهان بینی ای است که مکتب و آیین شخص نسبت به آن چیز ارائه می دهد (در صورت وجود)، و در وهله دوم، ناشی از شناختی است که انسان از کارکردها، ویژگی ها، شاخص های بررسی، فلسفه وجودی (دغدغه ها و عوامل زمینه ساز برای پرداخت به آن) و اهداف مورد انتظار از پرداختن به مقوله مورد نظر دارد. بدیهی است که در تمام این موارد، نوع شناخت ما نسبت به مقوله سبک زندگی، متفاوت از نوع شناخت غربی هاست و زمانی که شناخت اولیه متفاوت بود، نگاهها نیز چندگونه خواهند بود.

نتیجه آنکه، تعاریف ارائه شده توسط غربی ها از «چیستی» سبک زندگی و نوع نگاهی که به این مقوله دارند، متفاوت و در نقطه مقابل شناخت و معرفت جامعه خودی از ماهیت و چیستی «سبک زندگی» است. نتیجه آنکه، تعاریف ارائه شده توسط غربی ها از زندگی عبارتند از:

سبک زندگی، مجموعه ای از رفتارهای قابل مشاهده و بیانگرانه در میان افراد است. سبک های زندگی الگوهایی از کنش اند که افراد را از یکدیگر متمایز کرده، کمک می کنند تا آنچه مردم انجام می دهند و چرایی و معنای آن را که برای آنها و دیگران دارد، درک شود. با اینکه سبک های زندگی بخشی از زندگی اجتماعی روزمره نوین هستند و به صور فرهنگی وابسته اند، اما هر یک، سبک و منش و راهی برای استفاده از کالاها، مکان ها و زمان های خاص اند که اگر چه از مشخصات یک گروه محسوب می شوند، اما کل تجربه اجتماعی آنها نیست. سبک های زندگی مجموعه ای از اعمال و نگرشهاست که در متن و زمینه های خاص، قابل درکند.

سبک زندگی را به مجموعه ای از رفتارها تعبیر کرده که فرد آنها را به کار می گیرد تا نه فقط نیازهای جاری خود را برآورد، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خود برگزیده، در برابر دیگران نیز مجسم سازد (گیدنز،



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

سبک زندگی شامل اعمال طبقه بندی شده و طبقه بندی کننده فرد در عرصه هایی چون: تقسیم ساعات شبانه روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه های معاشرت، اثاثیه و خانه آداب سخن گفتن و راه رفتن است. در واقع؛ عینیت یافته و تجسم یافته ترجیحات افراد است.

سبک های زندگی، شیوه های مصرف عاملان اجتماعی ای است که دارای رتبه بندی های سبک های زندگی، شیوه های مصرف عاملان اجتماعی ای است که دارای رتبه بندی های مختلفی از جهت شأن و مشروعیت اجتماعی اند. این شیوه های مصرفی، بازتاب نظام اجتماعی سلسله مراتبی است؛ اما چنان که بورديو در کتاب «تمایز بر حسب منطق دیالکتیکی» نشان می دهد، مصرف صرفاً راهی برای نشان دادن تمایزات نیست، بلکه خود راهی برای ایجاد تمایز است. (باکاک ۱۱۳۸۱)

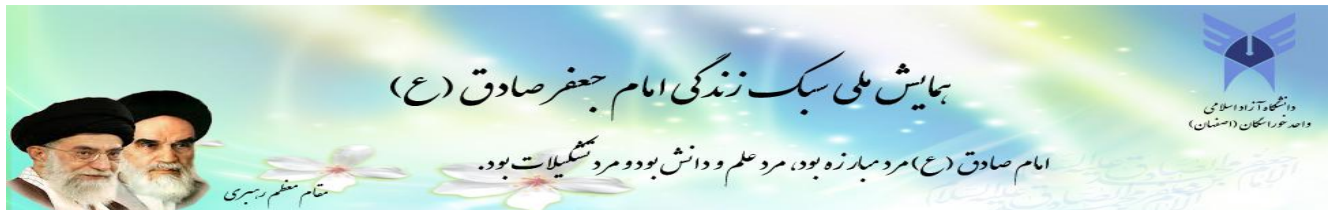
چنان که در تعاریف ارائه شده - که بخشی از تعاریف مربوط به سبک زندگی از زبان غربیان است - مشاهده می شود، تعاریف نوعاً به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. تعاریفی که تأکیدشان صرفاً بر روی واژه مصرف است؛

۲. تعاریفی که علاوه بر مصرف، بر روی رفتار نیز تأکید دارند

نقطه کلیدی بحث، در فهم این نکته است که: منظور از مصرف، در این تعاریف، بررسی وضعیت مصرف از حیث اقتصادی و در نهایت - اگر امکان عملی داشته باشد - بررسی وضعیت مصرف از جنبه عدالت اجتماعی آن است و از سنجش رفتارها نیز آداب و رسوم عرفی و احیاناً رفتارهای قانونی و غریزی انسانی مد نظر است. لذا بدون تردید، چه در حوزه مصرف و چه در حوزه رفتار، مسائل مربوط به وضعیت همخوانی آنها با آموزه های دین و مکاتب الهی، نه تنها مد نظر نیست، بلکه نباید هم باشد. نهایت نقشی که دین در عرصه زندگی غربی بتواند ایفا کند، نقشی بسیار کم رنگ در زندگی فردی شخص است؛ تازه آن هم باید طوری باشد که دیگران (چه با دلیل و چه بدون دلیل) از این اقدام فردی، رنجیده خاطر نشوند! بنابراین اعمال محدودیت های مکرر و برخورد حکومتی و منع در موضوعی همچون حجاب، که انتخابی آزادانه و فردی در جامعه غربی است، از همین مقوله است. بنابراین، این تعاریف، خارج از جهان بینی بومی اسلامی - ایرانی ارائه شده اند که در آن، بررسی رفتارها و مصارف، علاوه بر موارد مذکور به منظور پی بردن به میزان شدت و ضعف ارزش ها و نگرش های دینی در جامعه صورت می گیرد.

با این حساب، در اینجا نیز همانند مقوله فرهنگ و البته یک لایه عمیق تر از آن، اختلاف حقیقی در بین آنها وجود دارد و همچنانکه در فرهنگ پرسیده می شد منظور شما از فرهنگ چیست و آنگاه فهمیده می شد که آنچه غرب، اسم آن را فرهنگ گذاشته، بسیار متفاوت از آن چیزی است که در جامعه خودی بدان فرهنگ گفته می شود؛ در موضوع سبک زندگی نیز وقتی از سبک زندگی پرسش شود، مثلاً گفته می شود شیوه مصرف و نوع رفتار یا حتی ممکن است برخی بگویند نوع نگرش ها؛ آنگاه اگر دوباره پرسش شود که منظورتان از شیوه مصرف و نوع رفتار و نگرش، چه نوع رفتارها



و نگرش‌هایی است؟ رفتارهایی که صرفاً منبعث از آداب و رسوم و قوانین عرفی و غریزه انسانی است یا همه اینها به اضافه و تأکید بر رفتارهایی که منبعث از ارزش‌ها و نگرش‌های دینی و الهی است؟ آنگاه، اختلاف حقیقی در چیستی سبک زندگی در فرهنگ غرب و خودی مشخص خواهد شد. چند تعریف از سبک زندگی؛ تعریف نوع اول از سبک زندگی، برای آشنایی افراد با کلیت و اصل سبک زندگی بوده که بیشتر ناظر به مفهوم لغوی آن است و در همه جا و بر اساس هر دیدگاهی تقریباً یکسان است و اختلاف ماهوی بین آنها وجود ندارد؛ مثل اینکه گفته شود: سبک زندگی یعنی طرز زندگی، شیوه و روش زندگی. اما تعریف نوع دوم که با هدف آسیب‌شناسی موضوع سبک زندگی و ارائه سیاستها و راهبردهای اصلاحی برای آن است، نیازمند شناخت ابعاد و ویژگی‌های شاخص سبک زندگی است که به دلیل اختلاف نگاه و جهان بینی غربی و اسلامی - ایرانی از نفس مفهوم «زندگی» و «سبک زندگی»، تعریف نوع دوم از «سبک زندگی»، بدون تردید متفاوت از یکدیگر خواهد بود.

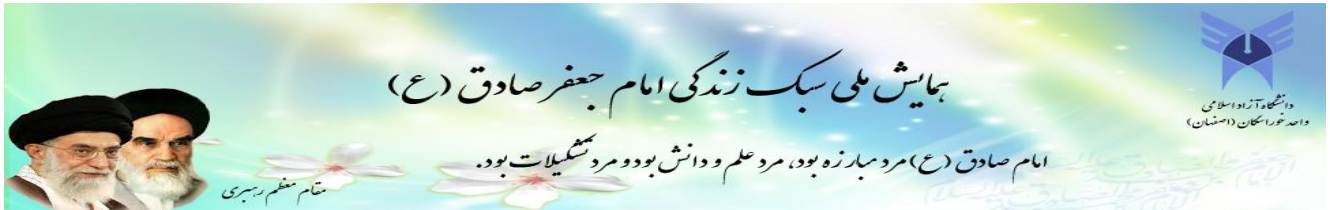
بنابراین اگر سوبل در تعریف خود از سبک زندگی، صرفاً رفتارهای قابل مشاهده، آن هم در میان افراد را در نظر گرفته و توجهی به رفتارهای ذهنی و غیر قابل مشاهده و نیز در ارتباط با خدا، خود و سایر موجودات هستی ندارد، ناشی از نوع نگاه ویژه او به انسان، زندگی و جهان است. همچنین اگر چینی، سبک‌های زندگی را صرفاً مجموعه‌ای از اعمال و نگرشها می‌پندارد که در استفاده از کالاها، مکا‌نها و زما‌نهای خاص نمود پیدا می‌کنند و به مجموعه ارزش‌های ثابت انسانی و الهی تأثیرگذار توجهی نداشته و اولویت را در حیثیت استفاده، آن هم در کالاها و زمانها و مکان‌ها می‌بیند، ناشی از نگاه او بر حسب جهان بینی خودش است. نتیجه آنکه؛ تحقیقات علمی در حوزه سبک زندگی نیازمند ارائه تعریف تفصیلی و نوع دومی از سبک زندگی است، که به دلیل اختلاف مبنايي در نوع نگاه و جهان بینی غربی و اسلامی - ایرانی از نفس «زندگی» و موارد دیگر، تعریف‌ها از «سبک زندگی» متفاوت از هم خواهد بود.

بسترها و ریشه‌های اختلاف در تعریف از «ماهیت» سبک زندگی

ریشه و علت اصلی اختلاف هویتی از «ماهیت» سبک زندگی در فرهنگ خودی و غرب، چندشاخه میشود:

۱) تضاد در جهان بینی و تفسیر از زندگی

وقتی بحث از سبک زندگی میشود، در واقع آنچه مورد پردازش و بررسی قرار می‌گیرد، سبک «زیستن» و «زندگی» است. بنابراین، لازم است قبل از بررسی سبک زندگی، مفهوم «زیستن» و «زندگی» به طور دقیق، مشخص و معین شود



تا در گام بعدی، در خصوص وضعیت زندگی و سبک آن و ... بحث و بررسی های لازم صورت گیرد. هر محققى در حوزه سبک زندگی، قبل از ورود به بحث بایستی با مفهوم «زندگی» و «زیستن» از منظر جهان بینی مکتب خود، آشنایی کافی و لازم را داشته باشد و بداند که بر اساس فرهنگ خودش، زندگی و زیستن چه مفهومی و چه نمادهایی دارد؟ در فرهنگ او نمادها، علائم و مصادیق زندگی سعادت‌مند و زندگی شقاوت‌مند چیست؟

ناگفته پیداست که در این زمینه، تضاد جدی بین فرهنگ غرب و فرهنگ خودی وجود دارد و تعریفی که فرهنگ اسلامی-ایرانی و پیامبران و ائمه از زندگی و خوب و بد بودن آن بر اساس آخرت‌گرایی و نقش مزرعه بودن زندگی دنیوی برای زندگی اخروی - که هدف اصلی و زندگی واقعی است - توصیف می‌کند، درست در نقطه مقابل فرهنگ غرب است که بر مبنای مکتب امانیسم و لذت‌گرایی و هدف غایی بودن زندگی دنیوی استوار است. این دو جهان بینی دقیقاً در نقطه مقابل هم قرار دارند و ب‌ی‌گمان این اختلاف نگاه و دیدگاه در مورد زندگی، در نگاه و بررسی ماهیت سبک زندگی و وضعیت خوب و بد و برنامه ریزی برای اصلاح آن، تأثیر تام و تمام خواهد گذاشت؛ چه بسا بر اساس دیدگاه اسلامی در بررسی سبک زندگی، توجه به برخی رفتارها و مصارف، مورد توجه یا حتی در اولویت باشد که در دیدگاه غربی توجه به آنها اصلاً ب‌ی‌مورد است و آنها را اصولاً داخل در سبک زندگی نداند. لذا به تبع این وضعیت، برنامه ریزی در خصوص اصلاح وضعیت سبک زندگی نیز کاملاً متفاوت خواهد بود.

این مطلب از دید اندیشمندان اسلامی دور نمانده است؛ چنانکه مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد میشود». (۱۳۹۱/۷/۲۳، بیانات رهبر)

لذا بدون تعریف اصل زندگی نمی‌توان سبک زندگی را تعریف کرد. باید هدف از زندگی مشخص باشد تا بتوان سبک زندگی را با توجه به هدف آن ارزیابی کرد.

دو دیدگاه مهم که ماهیت سبک زندگی را از نظر اسلام و غرب جدا میکند عبارتند از:

الف) جهان بینی مادی: جهان بینی مادی بر اساس نگرش نفی خدا و قیامت از جهان هستی شکل گرفته است. در این جهان بینی، تمام هستی در جهان مادی و طبیعی خلاصه شده و هیچ آفریننده دارای شعور و ادراک، خارج از عالم ماده ندارد؛ هر چه هست، در همین عالم ماده است و چیزی به نام ماورای طبیعت و خداوند و عالم دیگر (قیامت و رستاخیز) وجود ندارد و وجود انسان در وجود مادی او خلاصه می‌شود که با مرگ از بین می‌رود یا به اجزای دیگر مادی تبدیل می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۷۴: ۳۱-۳۰)



تمدن جدید غرب برآمده از این جهان نبینی، یک تمدن سراسر حسی است که همه چیز را از این منظر می نگرند، حتی دین را؛ چنانکه گاليله به عنوان یکی از نمایندگان این تمدن میگوید: آنچه در قالب اعداد نیاید، علم نیست و در نهایت، فاقد هستی است. همچنین دکارت با قطع رابطه لطیف بین خدا و جهان مخلوق، عملاً جهان را از خدا جدا کرده است.

گفتنی است که علوم جدید بر اساس بینش دکارت پای هگذاری شده است. (طاهرزاده، ۱۳۸۸: ۵۹،۳۳)

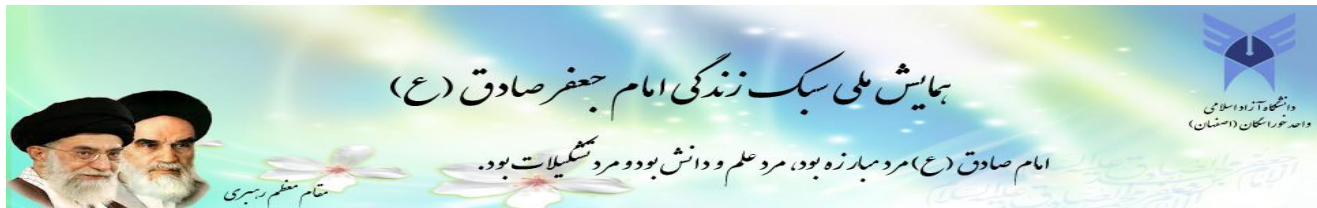
در امانیسم، آن چیزی خوب است که میل انسان آن را خوب بداند و چیزی بد است که انسان آن را بد بداند؛ نه اینکه خداوند باید حق و باطل و خوب و بد را تعیین کند. لذا کشش های مادی و غرایز حیوانی بر کشش های معنوی غلبه می یابد و مذهب، وسیله ای می شود برای زندگی دنیایی بهتر، بدون آنکه دنیا، بستر تعالی معنوی انسان باشد. در این تمدن، که صنعت و علومش از دین فاصله گرفته است، به هیچ وجه جنبه روحانی انسانها لحاظ نمیشود.

البته گفتنی است هر چند این دیدگاه از حیث نظری همان گونه ای است که توصیف شد، ولی در واقع و در عالم خارج شاید تنها تعداد بسیار معدود و اندکی از انسانها را بتوان یافت که لاییک به تمام معنا بوده و به کلی منکر عالم غیب و ماورای ماده باشند. در واقع؛ مصادیق این جهان نبینی، بیشتر در خود سیستم حکومت های غربی و رویکردهای اجرایی و قوانین صادره از آنها خود را نشان می دهد تا افراد موجود در آن حکومت ها؛ لذا اکثر افرادی که به خصوص در غرب زندگی می کنند و به عنوان طرفداران یا اعضای مکتب مادی گرایی شناخته می شوند، اگر چه به اسلام و آموزه های متعالی آن اعتقادی ندارند، اما به طور کلی منکر خدا و غیب و مسائل دینی هم نیستند؛ حتی به مقتضای فطرت انسانی خود، اعمال انسان دوستانه و خیرخواهانه فراوان و قابل توجهی نیز انجام می دهند. البته باید توجه داشت که هر چند از دیدگاه این افراد، خداوند و عالم غیب و نیروهای قدسی به طور مطلق مردود واقع نشده اند، اما این مسائل جایگاه تأثیرگذاری در نظام تصمیم گیری شان -به خصوص در مواقعی که با منافع مادی شان در تضاد باشد- ندارند. بر حسب دیدگاه اکثر این افراد، انسان بایستی تمام تلاش خود را انجام دهد تا از زندگی دنیایی که تمام زندگی اوست، تمام لذت را ببرد و در دنیایی که هدف نهایی زندگی اوست، به تمام هدفش برسد. مطابق این جهان نبینی، موضوع آخرت و نظام زندگی پس از مرگ و جزا و پاداش، به کلی مردود است. لذا توصیه های اخلاقی انبیا یا فطرت و وجدان انسانی -در صورت اظهار وجود- علاوه بر نداشتن الگوی عملی، ضمانت و پشتوانه اجرایی قوی هم ندارند. اگر هم در مواردی اندک، اعتقاد به معاد هم وجود داشته باشد، همراه با تحریفات فراوان در ماهیت و چگونگی و نظام جزا و پاداش آن است.

ب) جهان نبینی الهی: این جهان بینی مبتنی بر سه

اصل است ۱





بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری



۱) اعتقاد به خدای یگانه؛

۲) اعتقاد به معاد و زندگی ابدی برای هر فردی از انسان در عالم آخرت

۳) اعتقاد به بعثت

با اعتقاد به نقش اساسی و مهم ادیان در تبیین و تشریح چگونگی انتخاب سبک زندگی برای پیروان و رهروانشان باید پذیریم که در میان این ادیان، دین مبین اسلام دارای بیشترین کارکرد و امتیاز در خصوص چگونگی هدایت و رهنمون سازی مقلدانش در انتخاب و اعمال سبک زندگی است و هیچ دین و مذهبی به اندازه اسلام در باره این امر مهم تأکید و توصیه نکرده است. مویذ این ادعا وجود ده ها آیه در کتاب مقدس مسلمانان «قرآن کریم» است که از بدو تولد انسان تا زمان مرگ و حتی پس از حیات دنیوی و برای حیات اخروی نظرات و پیام های بسیاری را در خود دارد و خداوند متعال در این کتاب نه تنها چگونگی انجام زندگی معنوی و سالم را برای مسلمانان به ارمغان آورده است بلکه پیامبرگرمی اسلام و ائمه معصومین (ع) نیز با توجه به اهمیت موضوع و نقش مهم آن در ایجاد یک مدینه فاضله و اجتماعی خدامحور و دین گرا به کمک بشریت آمده و با روایات و احادیث و نیز سنت و سیره و روش خویش سعی در ایجاد بستر و فضایی معنوی، ریل گذاری، کانالیزه کرن و رهنمون سازی سبک زندگی ارزشی و سالم برای مسلمانان نموده اند.

پیامبران توسط خدا برای هدایت بشر به سوی کمال نهایی و سعادت دنیا و آخرت، این اصول سه گانه، پاسخ هایی است به اساسی ترین پرسش هایی که برای هر انسان آگاهی مطرح می شود: مبدء هستی چیست؟ پایان زندگی چیست؟ از چه راهی میتوان بهترین برنامه زیستن را شناخت؟ (مصباح یزدی ۱۳۷۴: ۳۰)

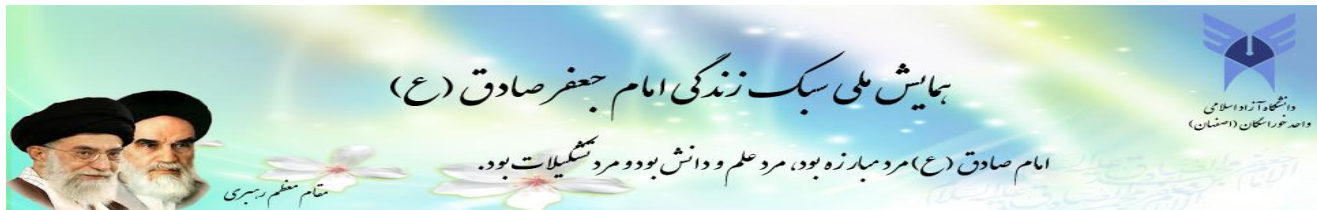
اعتقادات دینی و مذهبی و عقاید و نگرش های ذهنی و حتی قلبی نشأت گرفته از آن در هر جامعه ای به طور مستقیم بر فرهنگ حاکم بر عامه مردم تأثیرگذاری عمیق دارد. در همین راستا اگر به سبک زندگی و نوع رفتارها و افعالی که توسط جوامع و ملل مختلف ساکن در کره زمین نیم نگاهی داشته باشیم در خواهیم یافت که بسیاری از رفتارهای زندگی که شامل نوع پوشش، برخوردهای اجتماعی و گفتمان غالب جامعه، شیوه حیات خصوصی و عمومی، نوع تشکیلات خانواده و تعامل بین اعضاء خانواده و چگونگی روابط بین والدین و فرزندان و... تا اندازه زیادی متأثر از آموزه های دینی و اعتقادی آنان می باشد؛ چرا که تمامی ادیان آسمانی و حتی غیر آسمانی نیز در خصوص چگونگی و سبک و سیاق زندگی دارای رهنمود و پیام هستند و هیچ دین، مذهب، کیش و آیینی را نمی توان یافت که در این امور مهم حیات بشری و سبک زندگی پیروان و مریدانش مسائل و مباحثی را مطرح نکرده باشد.

دوری از هوای نفس

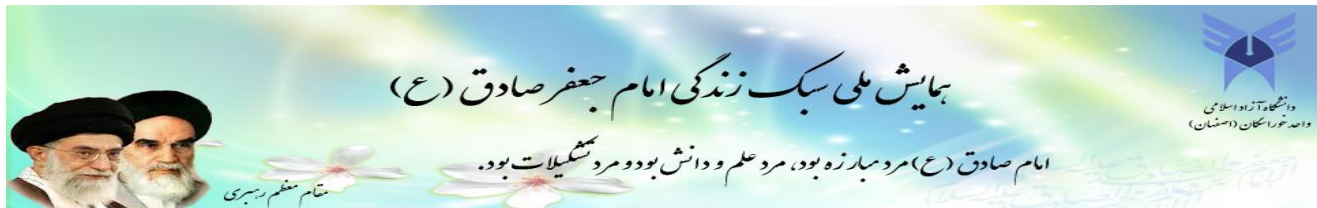
شکلیایی

ساده زیستی

آگاه



در اینجا نیز گفتنی است هر چند این دیدگاه از حیث نظری همان گونه ای است که توصیف شد، ولی در واقع و در عالم خارج، شاید افرادی یافت شوند که رفتار و گفتار و کردارشان همخوانی چندانی با این جهانبینی نداشته باشد و التزام عملی به ملزومات جهانبینی اسلامی خویش - چنان که شاید و باید - نداشته باشند. با این حال، نباید از این واقعیت چشم پوشید که اغلب این افراد، هر چند رفتارهایشان انطباق کامل با آموزه ها و اندیشه های متعالی مکتبشان

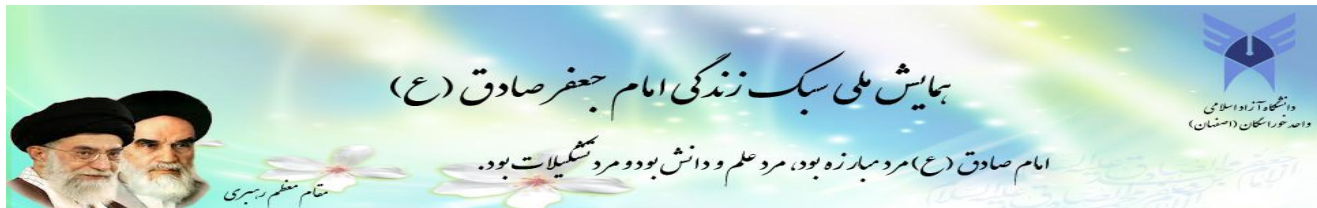


نداشته باشد، اما تحت لوای این جهان بینی قرار دارند؛ به طوریکه همخوانی بسیاری از رفتارهای دیگرشان با این جهان بینی را نمی توان انکار کرد. البته وجود درجات مختلف در ایمان و یقین و مانند آن نیز مربوط به همین موارد است. به هر حال، تعریفی که مطابق این جهان بینی از زندگی در دنیا می شود، تعریفی جامع و کامل و رد کننده ادعاهای و نگرش موجود در جهان بینی مادی است. تفسیر این جهان بینی از زندگی مبتنی بر سرشاخه ها و سرفصل های متعددی است که عمده آنها را از دید امام صادق (ع) به شرح ذیل است:

۱) زندگی دنیوی، ابزاری برای نیل به زندگی اخروی :

در جهان بینی الهی و از دید امام صادق (ع) زندگی واقعی زندگی اخروی است و زندگی دنیوی همچون ابزار و مزرعه ای است که بایستی تمامی توان در آن کاشت تا در جهان دیگر درو کرد و به هدف اصلی رسید. شمه ای از متون دینی در این زمینه به شرح ذیل است:

- امام صادق (علیه السلام): هر که دل دنیا بندد بسه چیز پای بندشده: غصه بی پایان، آرزوی روا نشدنی، امید قطع نشدنی. (هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۴)،
- امام صادق (علیه السلام): ریشه های کفر سه چیز است: حرص، تکبر، و حسد، حرص آدمرا واداشت که از درختی که خداجلو گیری کرده بوده بخورد، تکبر شیطان را از سجده بر آدم بازداشت، حسد پسر آدم را بقتل برادر واداشت. (هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۴)،
- احمد بن عمر حلبی گوید: از حضرت صادق (ع) پرسیدم: چه صفتی برای انسان از همه بهتر است؟ فرموده: بزرگی و وقار بدون ایجاد هراس، جود و بخشش بی انتظار عوض، پرداختن بغیر امور دینا. (هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۴)،
- امام صادق (علیه السلام): سه کس (در قیامت) تا پایان حساب در امان خدایند: مردیکه هرگز خیال زنا نکرده، کسی که ابداً مالش را بر با نیالوده، و مردی که هیچگاه واسطه در زنا و ربا نشده. (هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۴)،



- امام صادق (علیه السلام): هر که سه حالت دارد از سه چیز محروم نیست: هر که توفیقاً دارد نعمت اجابت دارد، آنکه خوی سپاسگزاری دارد، زیادی نعمت دارد، و آنکه صفت توکل دارد، تحت کفالت خدا است، خداوند فرموده: هر که بر خدا توکل کند هم او وی را کافی است. اگر شکر گزاید نعمتتان را زیاد میکنم، مرا بخوانید تا جوابتان دهم. (هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۴)،

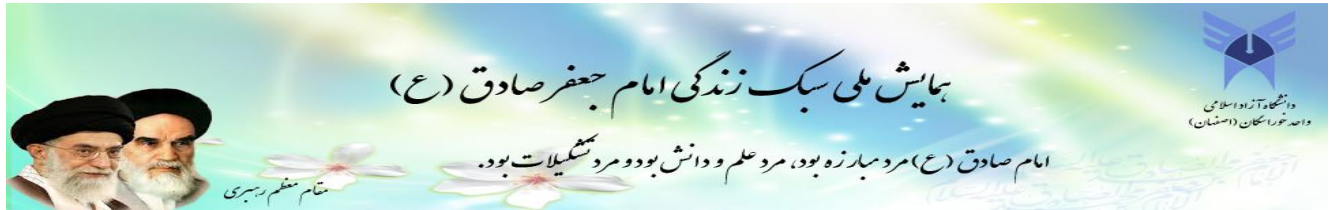
- امام صادق (علیه السلام): خداوند به موسی وحی فرستاد: میان تمام وسائل تقرب بندگان سه چیز نزد من از همه محبوب تر است، عرض کرد: آن چیست؟ فرمود: زهد و بی اعتنائی بدنی. پرهیز از گناه، گریه از ترس من، عرض کرد خدایا کسی که این سه صفت را داشته باشد چه اجری دارد؟ وحی رسید: زاهدان در بهشت اند و گریه کنندگان در عالی ترین مقام و پرهیز گاران در میان همه مردم از تفتیش عمل معاف اند. (هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۴)،

- امام صادق (علیه السلام): إِنَّمَا الدُّنْيَا مُتَّهِيَةٌ بِصَرِّ الْأَعْمَى، لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَّرَاءَهَا شَيْئًا، وَ الْبَصِيرُ يَنْفُذُهَا بَصْرَهُ وَ يَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا، فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ، وَ الْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ، وَ الْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ، وَ الْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ
 همانا دنیا آخرین دیدرس انسان کور است و فراتر از آن را نمی بیند، اما شاخص بینا و با بصیرت نگاهش را از دنیا فراتر می برد و می داند که سرای حقیقی در ورای این دنیاست. پس بینا، از دنیا دل بر کند و کور، به آن روی آورد. شاخص با بصیرت، از آن توشه برمی دارد و کور برای آن توشه فراهم می آورد. (هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۴)،

(۲) یاد خدا، عامل خوشی و سعادت زندگی :

مطابق این جهانبینی و از دید امام صادق (ع) خوشی و سعادت زندگی در خوردن و آشامیدن و بهر هگیری هر چه بیشتر از مواهب مادی نیست، بلکه:

- امام صادق (علیه السلام): مومن را بچیزی مشکل تر از سه کار نیازماید: در مان گذاشتن مال (با برداران دینی) انصاف دادن در حق مردم (گرچه به ضرر خودش تمام شود) یاد فراوان از خدا نه اینکه زیاد بگوید سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بلکه در حلال و حرام خدا را فراموش نکند. (هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۴))



- امام صادق (علیه السلام): سه وظیفه بر مردم بسیار سنگین است: گذشت از دیگران، مال را با برادر دینی در میان گذاردن، یاد فراوان از خدا. (هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۴))

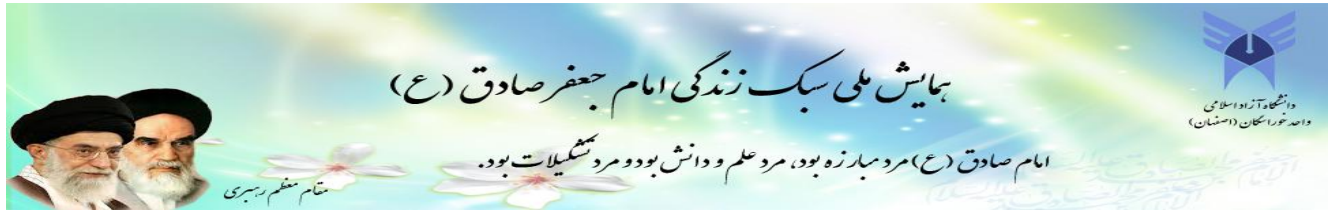
- امام صادق (علیه السلام): بهترین اعمال سه چیز است: از خود در حق مردم انصاف دادن بطوری که هر چه برای خودت می پسندی، با برادران مال را در میان نهادن، ذکر خدا در هر حال، نه تنها سبحان الله و لا اله الا الله و الله اکبر بگوئی، بلکه و اجبارت را انجام دهی و حرامها را ترک کنی. (مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۷))

- امام صادق (علیه السلام): سه صفت است در هر کس نباشد هرگز امید خیری به او نیست، ترس از خدا در خلوت، برگشت (از گناه) در پیری و شرمساری از عیب. (مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۷))

- امام صادق (علیه السلام): هر چشمی در قیامت گریان است جز سه چشم: چشمی که به حرام نگاه نکرده، یا در راه طاعت نخوابیده، یا در دل شب از ترس خدا گریسته. (مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۷))

- امام صادق (علیه السلام): نجوی و در گوشه اهل معرفت خدا روی سه چیز دور می زند. ترس، امید، محبت، ترس نتیجه علم، امید ثمره ی یقین و محبت فرع شناسایی است. نشانه ترس فرار است و علامت امید پیگیری و دلیل محبت ترجیح محبوب بر دیگران چون علم در سینه جای گیرد موجب ترس شود و چون ترس جای گزیند سبب فرار گردد (پس آنکه واقعاً از عذاب خدا بترسد باید از گناه کناره گیرد) و فرار موجب سعادت شود. (مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۷))

- امام صادق (علیه السلام): دلی که نور یقین در آن بتابد فضل خدا را ببیند و اگر مشاهده فضل پابرجا شود روزنه ی امید گشوده گردد و چون شیرینی امید را بچشد دنبال رود، چون پیگیری کند (مطلوب را) بیابد. و چون نور معرفت در دل بتابد نسیم محبت به جنبش آید، و هر گاه نسیم محبت وزید در سایه محبوب انس گیرد آنگاه او را بر دیگران ترجیح دهد، فرمانش را گردن نهد و از آنچه منع کرده بپرهیزد و رعایت امر و نهی او را بر هر چیز مقدم دارد با این وصف چون بر بساط انس تکیه زند به روح مناجات و قرب محبوب واصل گردد. مثال این سه اصل: حرم و مسجد و خانه کعبه است هر که داخل حرم شود از شر خر ایمن است و هر که وارد مسجد گردد اعضای بدنش از این که در گناه بکار رود در امان است و کسی که به کعبه در آید قلبش از



اشتغال به غیر یاد خدا محفوظ است. پس ای مومن بین اگر در حالی هستی که می پسندی مرگ در آن حالت برسد بر این توفیقی که خدا داده و بر مصونیت از گناه شکر کن و اگر نه چنین است با تصمیم جدی حالت خود را تغییر ده. از این عمری که در غفلت گذشته پشیمان باش و با استمداد از خداوند ظاهر را از گناه و باطن را عیوب پاک کن، پرده غفلت را برد و شعله شهوت را در کانون نفس خاموش کن. (مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۸۷))

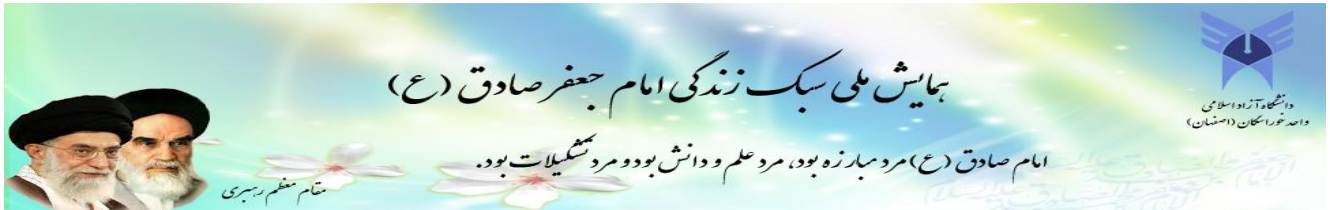
- امام صادق (علیه السلام): تقوا سه گونه است: ۱- برای خدا در راه خدا، این عبارت است ترک قسمتی از حلال ها تا چه رسد به شبهه ناک، این تقوای خاص الخاص است. ۲- تقوا از خدا یعنی ترک شبهه ناک تا چه رسد به حرام این تقوای خاص است. ۳- تقوا از ترس آتش و عذاب، یعنی فقط ترک حرام و این تقوای عام است. تقوا چون نهر جاری است و این درجات مانند درختان رنگارنگی است که کنار نهر کاشته اند، همه از یک آب می خورند، اما حقیقت و طعم و لطافت آن ها مختلف است و انتفاع مردم هم نسبت به آنها متفاوت است. (مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۸۷))

- عبید بن زراره گوید: بحضرت صادق (ع) عرض کردم: گناهان کبیره را بیان کنید، فرمود: پنج گناه است که خدا وعده آتش بر آن ها داد: ۱- (مال یتیم خوردن) خدا فرموده: « آنها که مال یتیمان میخورند آتش در شکم میریزند و بزودی وارد دوزخ میشوند» ۲- (ربا) « ای مومنان از خدا بترسید و دست از باقیمانده ربا بکشید تا آخر آیه» ۳- (فرار از جنگ) ای مومنان هنگامی که در میدان جنگ با کفار روبه رو شوید فرار نکنید تا آخر آیه» ۴- تهمت بزنهاى شوهر دار عقیف زدن ۵- کشتن مومن عمداً (مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۸۷))

۳. بازیچه و بی ارزش بودن زندگی مادی دنیوی

با در نظر داشتن جهان بینی اسلامی و از دید امام صادق (ع) اگر دنیا ارزشی دارد از آن حیث است که میتواند ابزاری باشد برای نیل به سعادت اخروی و زندگی واقعی، و گرنه به سبب زوال پذیری و توأم بودن آن با سختی ها و ... ، ارزش واقعی ندارد و جز بازیچه ای موقتی برای کسانی که از خدا غافل شده اند، نیست. لذا:

- روزی امام ششم (ع) از یکی از شاگردانش پرسید: در مکتب من چه آموخته ای؟ عرض کرد: هشت مسئله، فرمود: بازگویی تا بدانم، گفت: اول اینکه فهمیدم هر کس هنگام مرگ از آنچه دوست دارد جدا می شود از این رو همه همت را در آنچه جدا نمی شود به کار بردم یعنی کارهای خیر که انیس تنهایی است چنانکه قرآن



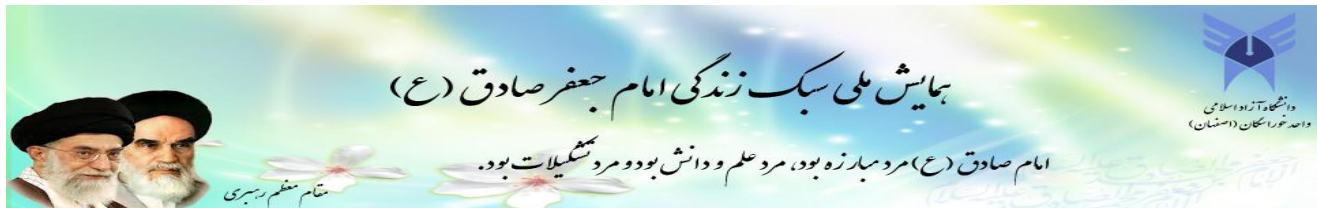
بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

می فرماید: «هرکه کار نیکی کند پاداش آن را می گیرد». حضرت فرمود: احسنت والله گفت: دوم اینکه دیدم گروهی به مال می نازند و جمعی به نیاکان وعده ای به فرزندان، با اینکه اینها هیچیک فخری ندارند و افتخار بزرگ در تقوا است. که خدا فرموده «از همه گرامی تر نزد خدا پرهیز گارترین شما است» لذا کوشیدم که نزد خدا بزرگوار باشم. فرمود: احسنت والله. گفت: سوم از طرفی هوا پرستی مردم را دیدم و از طرفی آیه ی قرآن را که می فرماید: «اما آنکه از مقام پروردگار خود بترسد و نفس را از هوس باز دارد بهشت مأوای او است» لذا کوشیدم تا نفس را از هوا باز گرفتم تا در رضای خدا ثابت و پابرجا شد، فرمود: احسنت والله. گفت: چهارم دیدم هر که چیز پر ارزشی دارد در نگهداری اش می کوشد، و خدا می فرماید: «کیست که به خدا قرض نیکویی دهد تا خداوند دو برابرش کند و پاداش ارجمندش دهد؟ (من پاداش دو برابر را گزیدم و صندوقی محفوظ تر صندوق خدا نیافتم و هر چه در نظرم ارزش داشت برای روز احتیاج در آن صندوق ذخیره کردم: فرمود: احسنت والله. گفت: پنجم دیدم مردم در روزی به یکدیگر حدس می بردند با اینکه خداوند فرموده «ما در زندگی دنیا روزی آنان را میانشان قسمت کردیم وعده ای را مراتبی برد گران ترجیح دادیم تا یکدیگر ا مسخره کننده، و رحمت پروردگارت از آنچه گرد آورند بهتر است» از این رو بر کسی رشک نبردم، و بر آنچه از دست دادم تأسف نخوردم. فرمود: احسنت والله. عرض کرد: ششم. چون دیدم با یکدیگر دشمنی می کنند و کینه ها به دل می گیرند و خداوند می فرماید: «شیطان دشمن شما است او را دشمن گیرید». من به دشمنی با شیطان پرداختم. فرمود: احسنت والله. گفت: هفتم: چون دیدم مردم همه برای روزی می کوشند با اینکه خدا فرموده: «من جن و بشر را نیافریدم جز برای اینکه مرا بپرستند، از آنان رزقی نمی خواهم و غذایی نمی طلبم، خدا است که روزی ده و صاحب قدرت نیرومند است» دانستم وعده ی او حق است و گفتارش راست، به وعده ی او مطمئن شدم و به گفتارش راضی، دیگر به سراغ روزی نرفتم و همت در آنجا وظیفه گماشتم، فرمود: احسنت والله. عرض کرد: هشتم: چون دیدم گروهی به صحت بدن اعتماد کرده اند و گروهی به ثروت فراوان، و قومی به مردمی چون خود و قرآن فرموده: «هرکه از خدا بترسد خدا برای او راهی می گشاید، و از طریق بی گمان روزی اش می دهد، و هر که بر خدا توکل کند هم او کفایتش کند». من به خدا اعتماد و توکل کردم، از دیگران چشم پوشیدم، حضرت فرمود: به خدا تورات و انجیل و زبور و قرآن و سایر کتب آسمانی همه به این هشت مسئله بر می گردد. (مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۷)

۴. متأثر بودن خوشی و ناخوشی زندگی از عوامل غیرمادی :

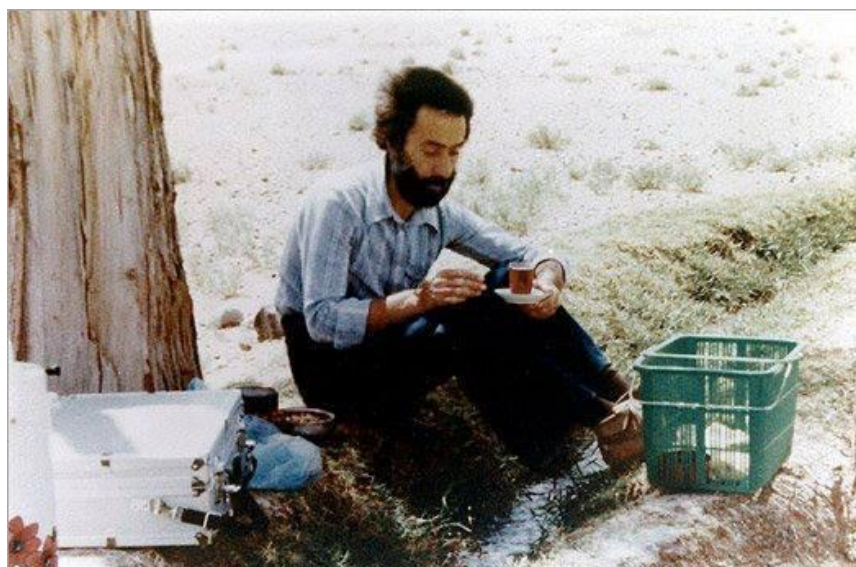


حسب جهان بینی الهی، و از دید امام صادق(ع) خوشی و ناخوشی دنیا صرفاً متأثر از بهره مندی یا نبود امکانات مادی دنیوی نیست، بلکه اساساً خوشی و شیرینی زندگی، در این دیدگاه تعریف دیگری دارد و عوامل فراهم کننده مجزایی برای آن تعریف شده است؛ از جمله:

- امام صادق (علیه السلام): «مُدَارَاهُ النَّاسِ نَصِيفُ الْإِيمَانِ، وَ الرَّفْقُ بِهِمْ نَصِيفُ الْعَيْشِ» (کلینی ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۱۷) مدارا کردن با مردم، نصف ایمان است و نرمی و مهربانی کردن با آنان، نصف زندگی است.

- امام صادق (علیه السلام): ما زالت نعمة و لا نضارة عيش إلا بذنوب اجترخوا، إن الله ليس بظلام للعبيد هیچ نعمتی و هیچ خرمی زندگی ای زایل نشد مگر به سبب گناهایی که مرتکب شدند؛ زیرا خداوند به بندگان ستم نمی کند. (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ : ۱۰/۶۲۴)

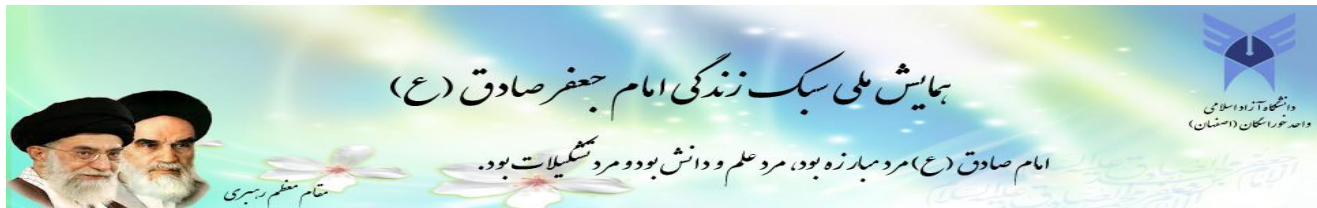
- امام صادق (علیه السلام): يعيشُ النَّاسُ بِإِحْسَانِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَعِيشُونَ بِأَعْمَارِهِمْ وَ يَمُوتُونَ بِذُنُوبِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَمُوتُونَ بِأَجَالِهِمْ مردم بیش از آنکه با عمر خود زندگی کنند، با احسان و نیکوکاری خویش می زیند و بیش از آنکه به سبب فرا رسیدن اجل خود بمیرند، بر اثر گناهان خویش می میرند. (حکیم، سید محمد تقی (۱۳۵۱))



۵) پرهیز از دلبستگی و توجه افراطی به زندگی دنیوی :

استفاده از مواهب مادی در حدنیاز، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه ضرورت و مقتضای تداوم حیات مادی است؛ ولی هر گونه

دلبستگی و توجه افراطی بدان، مورد نکوهش واقع شده است:



- امام صادق (علیه السلام): هر آن کس که در شب و روز، بزرگ ترین همش آخرت باشد، خداوند بی نیازی را در دل او جای می دهد و کارش را سامان می بخشد و از دنیا نمیرود مگر وقتی که روزی اش را کامل دریافت کرده باشد. و هر آن کس که شب و روز، بزرگ ترین همش دنیا باشد، خداوند فقر را در بین دو چشم او قرار می دهد (همیشه چشمش گرسنه دنیا است). (حکیم، سید محمد تقی (۱۳۵۱))

- دنیا دوست ، حب دنیا کارش را پریشان میسازد و از دنیا به چیزی بیش از قسمت خود نمی رسد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷: ۱۰۴، ۱۵۱)

- امام صادق (علیه السلام): شما را از دنیا پرهیز می دهم؛ زیرا که بسیار فریبنده است -و زمانی هم که دنیاپرستان به آرزوی خود برسند -دنیا از این توصیف خداوند عزّ و جلّ فراتر نیست که: «برای آنان زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم سپس گیاه زمین با آن درآمیخت و (چنان) خشک گردید که بادها پراکنده اش کردند و خداست که همواره بر هر چیزی تواناست. (محمودی، بی تا، ج ۳، ۲۸۴)

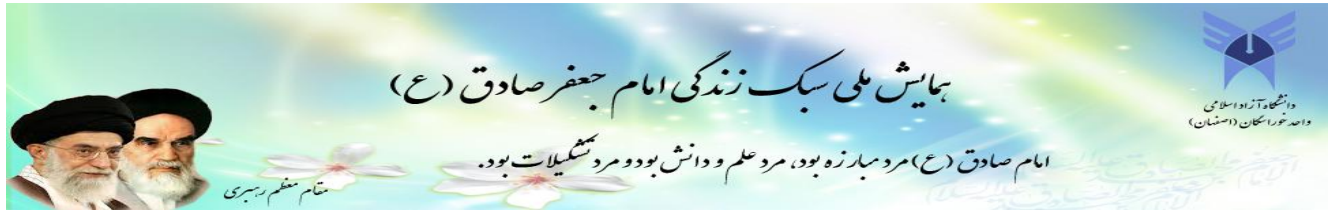
- امام صادق (علیه السلام): مَنْ أَحَبَّ الْحَيَاةَ ذَلَّ هَر كَه شَيْفَتَهُ زَنْدَگِي شُود، خُوار شُود. (شیخ صدوق ۱۴۰۳: ۱۱۰/۱۲۰)

۴) بهر هگیری بیش از حد کفاف، عامل تباهی زندگی :

حسب جها نبینی الهی، و از دید امام صادق (ع) انسان در زندگی دنیایی مسافری بیش نیست که مقصدش زندگی آخرت است و زندگی دنیا، منزلگاه و مسافرخانه سر راهی اوست. و ناگفته پیداست که راحتی هر مسافری در سبکبالی اوست:

- امام صادق (علیه السلام): برای دنیای خود چنان کار کن که گویی تا ابد زنده ای و برای آخرت چنان کار کن که گویی همین فردا خواهی مُرد. (حکیم، سید محمد تقی (۱۳۵۱))

- امام صادق (علیه السلام): دنیا را برای اهلش واگذارید؛ زیرا هر که از دنیا بیش از حد کفایت خود برگیرد، نادانسته، مرگ خود را شتاب بخشیده است. (مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۷))



۵) هر زیستنی زندگی نیست :

در جهان بینی الهی، و از دید امام صادق(ع) : هر زیستنی زندگی نیست، بلکه باید برخی اقتضائات مانند خداشناسی و توحید در آن موجود و برخی موانع همچون ذلت پذیری و معصیت در آن مفقود باشد تا اسم زندگی بر آن صدق کند:

- امام صادق (علیه السلام): مرگ در راه طاعت خدا را خوشتر دارم از زندگی آلوده به معصیت خدا، و فقر در راه طاعت خدا را دوس تتر دارم تا ثروت با نافرمانی خدا، و بلا و سختی دیدن در راه طاعت خدا برایم خوشایندتر است از سلامت و عافیت در معصیت خدا. (مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۷))

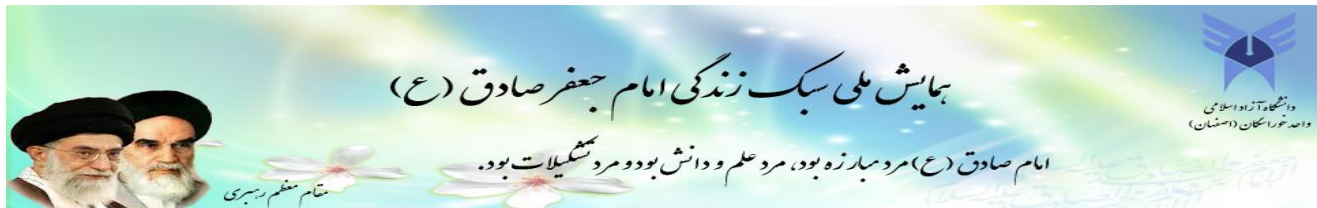
- امام صادق (علیه السلام): مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت است. آن حضرت در روز شهادت خود این ابیات را می خواند: مرگ بهتر است از ننگ و ننگ سزاوارتر از آتش (دوزخ) است. به خدا سوگند که نه ننگ را به خود راه دهم، نه آتش را. (مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۷))

- امام صادق (علیه السلام): زندگی، جز به دینداری نیست و مرگ، جز با از دست دادن یقین نیست. پس، از آب شیرینو گوارا (اسلام ناب) بنوشید تا شما را از خواب غفلت بیدار کند و از سموم کشنده (دینهای ساختگی) پرهیزید. (حکیم، سید محمد تقی (۱۳۵۱))

۶) رفاه زدگی، خط قرمز زندگی:

اسلام مانع رفاه زندگی نیست، بلکه انسان را دعوت به زندگی بهتر و سال متر می کند. اسلام از رفاهی که افراطی و سرطانی باشد و ت نیروی در آن باشد، برحذر می دارد. توصیه اسلام، و از دید امام صادق(ع) اجتناب از تجمل گرایی، اشرافی گری و انگشت نما شدن در بهره برداری از مواهب مادی دنیوی است:

- امام صادق (علیه السلام): آن که در دنیا با نازپروردگی زیست می کند، چه سودی می برد آن گاه که در آتش جاودانه میشود؟! آنان به جلوه بیرونی زندگی دنیا آگاهند؛ اما از آخرت بی خبرندخانه ها می سازند؛ کاخها بر پا می کنند؛ مسجدها را به زیور می آریند مقصد همه تلاشهایشان تنها دنیاست و به آن روی آورده اند و دل بسته اند. خدای آنان، شکمهایشان است. خدای برترین فرموده است: «با این پندار که همواره زنده اید، دژها و کاخهایم را افزایش دهید؟ و به گاه انتقام گیری، همچون سرکشان رفتار می کنید؟ پس تقوای خدا را پیشگیرید و از



من فرمان بریدم. و نیز خدای برترین فرموده است: «آیا دید های آن که هوسش را خدای خود گرفت و خدا با وجود علم، گمراهش ساخت و بر گوش و دلش مهر نهاد و بردیده اش پرده انداخت؟ پس از خدا چه کسی هدایتش خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟» چنین کسی جز منافق نیست که هوس خویش را دین خود ساخته و شکمش را خدای خویش؛ از هر چه دلش بخواهد، خواه حلال و خواه حرام، نمی پرهیزد. خدای برترین فرموده است: «اینان به همین زندگی پست خشنودند؛ اما این زندگی در برابر زندگی آخرت، تنها کالایی ناچیز است» محرابهای اینان زناشانند؛ شرافت ایشان در درهم و دینار است؛ همه توانشان را در راه شکم خود به کار می گیرند. اینان در میان بدان، بدترینند؛ هم خاستگاه فتنه اند و هم بازگشتگاه آن. (طبرسی، ۱۴۱۴)

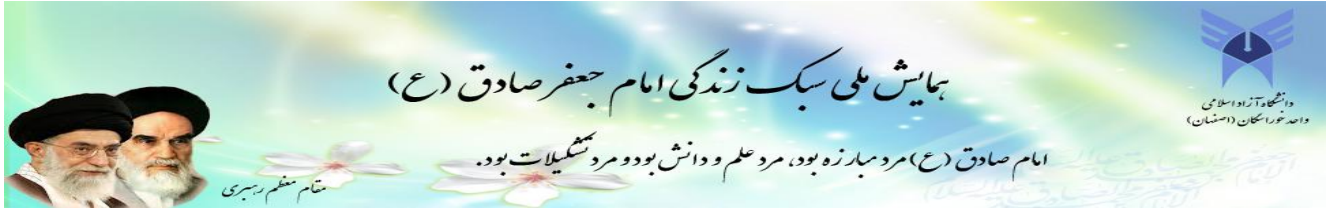
۷) دوری از صاحبان نگاه ناصواب به زندگی :

جها نبینی الهی و دید امام صادق (ع) نه تنها ترسیم زیبا و دقیقی از زندگی دنیوی را به خداپرستان ارائه می کند، بلکه از مصاحبت و نزدیکی با افرادی که تحت لوای جهان بینی مادی اند نیز برحذر می دارد؛ به دلیل آنکه آنها، به سبب وجود افکار و اندیشه های غلط و شیطانی در قلوبشان، همچون افراد مریض اند و مرضشان مسری است لذا توصیه به تولی و تبری در اینجا نیز، و البته به گونه خاص خودش جریان دارد.

- امام صادق (علیه السلام): پنج چیز از پنج کس محال است: نصیحت از حسود، مهر از دشمن ، احترام از فاسق ، وفا از زن، مهابت از فقیر. (مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۷))

- امام صادق (علیه السلام): یَعِيشُ النَّاسُ بِأَحْسَانِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَعْيشُونَ بِأَعْمَارِهِمْ وَ يَمُوتُونَ بِذُنُوبِهِمْ أَكْثَرَ مِمَّا يَمُوتُونَ بِأَجَالِهِمْ مردم بیش از آنکه با عمر خود زندگی کنند، با احسان و نیکوکاری خویش می زیند و بیش از آن که به سبب فرا رسیدن اجل خود بمیرند، بر اثر گناهان خویش می میرند. (بحار الأنوار، ۷/۱۴۰/۵)

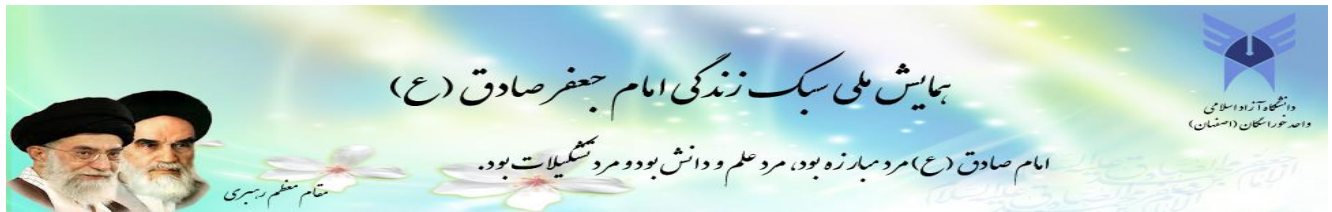
- امام صادق (علیه السلام): مَنْ أَحَبَّ الْحَيَاةَ ذَلَّ هَرَّ كِه شَيْفَتَه زَنْدَگِی شُود، خُوار گُردد (الخصال، ۱۱۰/۱۲۰).



- امام صادق (علیه السلام): گناهان بزرگ پنج است: شرط بخدا، ظلم بپدر و مادر، ربا خواری پس از اطلاع بر حکم خدا، فرار از جنگ، و برگشتن بشهر کفار پس از مهاجرت بشهر مسلمین. (حکیم، سید محمد تقی (۱۳۵۱))

- امام صادق (علیه السلام): گروهی از علما می خواهند علم بیاندوزند و بکسی نیاموزند، اینان در طبقه اول دو زخ اند، جمعی باعنف و شدت مردم را موعظه کنند و خود از موعظه خوش ندارند. این ها در طبقه دوم اند، بعضی علم را تنها در اختیار توانگران می نهند و مستمندان را لایق دانش نمیدانند، اینها در طبقه سوم اند، جمعی مانند جباران و پادشاهان رفتار کنند اگر حرفشان را رد کنند یا در اجرای فرمانشان کوتاهی نمایند خشمگین شوند، اینها در طبقه چهارم اند، عده ای حدیثهای یهو و نصاری را فرا میگیرند تا بدانها فخر کنند و دامنه سخن را بسط دهند، اینها در طبقه پنجم اند، دسته ای مسمند فتوی را اشغال می کنند و میگویند (هر چه خواهید) بپرسید با اینکه شاید یک کلمه ندانند و خدا عالم نما ثرا دوست ندارد، اینها در طبقه ششم اند. طائفه ای علمشان را وسیله آبرونزد مردم و خردمندی سازند اینها در طبقه هفتم اند. (حکیم، سید محمد تقی (۱۳۵۱))،

- عمار بن ابی الاحوص گوید: بحضرت صادق (ع) عرض کردم: ما افرادی داریم که میگویند: یا امیرالمومنین، و علی را بر مردم دیگر ترجیح میدهند اما آن مقامی که ما برای شما قائلیم قائل نیستند، ما با اینها دوستی کنیم؟ فرمود: آری فی الجمله، (همه که در یک رتبه نیستند) مگر نه یغمبر (ص) مقامی دارد که ما نداریم، ما مقامی داریم که پیغمبر ندارد، شما با ما اختلاف مقام دارید و دیگران با شما؟ خداوند اسلام را هفت بخش کرده: صبر، راستی، یقین، امید، وفا، علم و حلم. این هفت بخش را بین مردم تقسیم کرده، هر که همه سهام را داشته باشد ایمانش کامل است، اما بعضی یک یا دو سهم یا سه سهم یا چهار سهم یا پنج سهم یا شش سهم دارند، پسبر آنکه یک سهم دارد دو سهم تحمیل نکنید، بر آنکه دو سهم دارد سه سهم تحمیل ننمائید و همچنین، زیرا این تحمیلات موجب سنگینی و نفرت میشود با رفق و مدارا با مردم رفتار کنید، راه را آسان نشان دهید، در این باره مثلی میزنم تا بدانی سخت گیری و تحمل بیش از طاقت چه عواقبی ندارد: مسلمانی همسایه کافری داشت که بسیار نرم و ملایم بود، مسلمان تبلیغاتی کرد و اسلام را در نظر همسایه چنان جلوه داد که مسلمان شد از عقیده سابق دست کشید، صبحگاه مرد مسلمان آمد همسایه را برای انجام فریضه صبح به مسجد برد. چون نماز جماعت تمام شد گفت خوب است تا طلوع آفتاب همین جا به ذکر و دعا پردازیم، ماندند تا خورشید طلوع کرد، گفت چه خوش است. امروز را روزه بگیری و تا هنگام ظهر در خانه خدا قرآن فرا گیری، تا ظهر در مسجد نشستند چون نماز ظهر و عصر گذاشتند. گفت: خوب است یکبار بهمانیم نماز مغرب و



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

عشاء را هم بخوانیم و برویم بیچاره تازه مسلمان ماند تا نماز مغرب و عشاء را هم گذارد اما دیگر طاقتش تمام شده بود و بیش از قدرت تحمل کرده بود فردا صبح که مومن آمد باز او را به مسجد ببرد گفت: برو که من تاب دیدنت را ندارم. مردم منحرف نکنید، ندیدی که بنی امیه (چون) با شمشیر و زور و تعدی حکومت کردند (مردم همه از آنها رمیدند و اسلام را بد جلوه دادند) و پایه ی امامت ما بر رفق و دلجویی و وقار و تقیه و حسن معاشرت و تقوی و کوشش است، پس مردم را به دین و عقاید خود متمایل کنید. (بحار الانوار / ۷۵ / ۲۳۵)

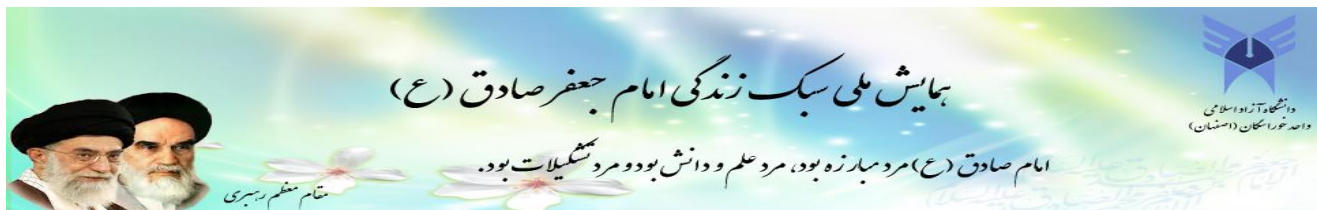
۸) ضروریات زندگی سالم انسان ها در دنیا

روایت دیگری از ذات مقدس امام صادق (ع) است که مربوط به محیط زیست و زندگی دنیا و خوب زندگی کردن و اینهاست. فرمود: ثَلَاثٌ لَا تَطْيِبُ السُّكْنَى إِلَّا بِهَا؛ ۳ اصل است که هیچ جامعه ای از آنها بی نیاز نیست، اَلْهَوَى الطَّيِّبُ وَ الْمَاءُ الْعَذِيرُ وَ الْاَرْضُ الْخَوَّارَةُ که هر کدام اینها نیازمند به شرح است. هوای طیب و پاک می خواهد، آب سالم و فراوان می خواهد، سرزمین حاصلخیز. چه را اینها نگفتند؟! اگر یک وقتی ما در برابر اینها می گوئیم: کَلَامُكُمْ نُورٌ، چون همه اینها را چه آنچه به دنیا بر می گردد، چه آنچه به آخرت بر می گردد بیان کردند. (بحار الانوار / ۷۵ / ۲۳۴)

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زندگی وقتی گواراست که شما یک هوای طیب و سالم داشته باشید، یک محیط سالم داشته باشید، یک آب آشامیدنی فراوان داشته باشید، یک زمین کشاورزی خوب داشته باشید. مبدا دست یک ملت به طرف بیگانه دراز بشود! (حکیم، سید محمد تقی (۱۳۵۱))،

۲) تضاد در فلسفه و هدف غایی

اینکه مباحث مربوط به سبک زندگی، با چه هدف و نیتی در جوامع غربی و متقابلاً اسلامی، مطرح و بر اساس چه فلسفه و پشتوانه فکری بدان پرداخته می شود، کاملاً مغایر با همدیگر است. اگر در جوامع غربی، هدف غایی و نهایی از طرح بحث سبک زندگی را صرفاً اندیشه های سودجویانه کارتلهای سرمایه داری و شرکتهای بزرگ تولیدی ندانیم، در خوش بینانترین حالت، ابزاری است برای انسجام ملی، حفظ هویت ملی و در نهایت، بسط عدالت اجتماعی بر حسب تعریف مادی که خودشان از عدالت دارند. در بحث از اهداف طرح موضوع سبک زندگی در مباحث اسلامی - ایرانی، بخش مثبت غایات و اهداف غربی، فقط جزء و بخش



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد مشکلات بود.

مقام معظم رهبری

ناچیزی از اهداف مورد نظر را تشکیل می دهند؛ به دلیل آنکه نگاه غرب به روان و آرامش و سلامت روانی جنبه طریقی دارد نه موضوعی؛ بدین معنی که وجود سلامتی روان، لازمه ابزاری و طریقی است برای ممکن بودن استفاده جسم و تن از مواهب مادی دنیوی به گونه ای که هرگونه تشویش و اضطراب روان، مانعی بر سر راه آن است. بهره مند شود. ضمن اینکه در نگاه اسلامی، برنامه ریزی برای مطلوبیت سبک زندگی، متوجه بُعد زمانی ابدیت است و فقط به دنبال کسب سعادت و خوشبختی چند روزه دنیوی نیست. در واقع؛ اصل زندگی را در زندگی اخروی می داند و زندگی دنیوی با تمام مظاهر زیبا و دلپذیری هایش، ابزاری است برای ساختن هر چه بهتر آن. لذا در دیدگاه اسلامی - ایرانی، هدف از طرح بحث سبک زندگی، نشئت گرفته از یک دغدغه فرهنگی و دینی و با هدف بررسی نقاط ضعف و قوت سبک زندگی بر حسب شاخصهای دینی و اقدام در جهت ارتقا و رفع آسیبهای آن از این منظر است؛ چنانکه مقام معظم رهبری می فرمایند: تمدن نوین اسلامی، بدون سبک زندگی شکل نمی گیرد... ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، بازپرداختن به سبک زندگی مهم است... باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم... اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت. هر چه ما در صنعت پیش برویم، هر چه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده ایم.

بر این اساس، با اختلاف فاحشی که در فلسفه آغازین سبک زندگی و اهدافی غایی آن بین فرهنگ غربی و خودی مشاهده می شود، چیستی سبک زندگی، در دو فرهنگ، متفاوت از هم است؛ فرهنگ غربی در تعریف چیستی سبک زندگی، به حوزه هایی از آن نظر دارد که در راستای اهداف و اغراضش باشد و متقابلاً فرهنگ اسلامی - ایرانی، سبک زندگی را آن چیزی تعریف می کند که بتواند با بررسی آنها، به اهدافی که در ذهن دارد نایل آید.

نتیجه گیری

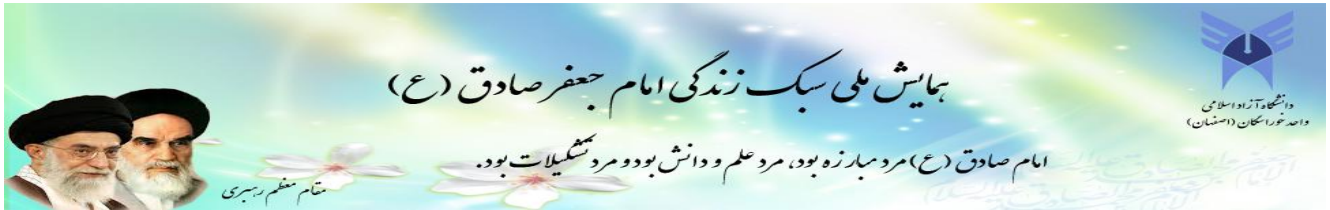
در تعریف از ماهیت و چیستی سبک زندگی، بین فرهنگ غربی و فرهنگ بومی، اختلاف اصلی وجود دارد؛ به طوری که برای آشنایی و شناخت از چیستی سبک زندگی، رجوع به نظرات متفکران غربی در این زمینه و



توجه به نوع نگاه آنها به چیستی سبک زندگی، نه لازم است، نه کافی و نه تلفیق شدنی و لزوماً باید از نوع نگاه خود به سبک زندگی که نشئت گرفته از جهان بینی خاص الهی و بومی (اسلامی - ایرانی) در مورد چیستی و ماهیت سبک زندگی است، بهره گرفت.

گفتنی است که مطالعه ماهیت و چیستی سبک زندگی و مباحث مربوط به آن از نگاه غربی ها، فی نفسه و به خصوص برای افراد آشنا با پیچ و خم راه و جهان بینی الهی و بومی اسلامی - ایرانی، اشکالی ندارد و شاید حتی به عنوان مطالعه و افزایش اطلاعات عمومی مفید باشد؛ چرا که چنین شخصی، واجد شاخصها و ملاک های لازم بوده و به راحتی می تواند صحت و سقم مطالب را از هم سوا کرده، احیاناً از نقاط مثبت آن استفاده کند. اما بحث در این تحقیق بر سر چیز دیگری است و آن اینکه اگر هدف از طرح و پردازش موضوع سبک زندگی، نیل به وضعیت مطلوب سبک زندگی بر حسب جهان بینی الهی و از دید امام صادق (ع) و نگاه اسلامی - ایرانی است، آشنایی با ساختار و شاکله بندی مباحث غربی مربوط به سبک زندگی، به دلیل تفاوت ها و اختلافات بنیادینی که ذکر شد، بیش از آنکه مفید و پیش برنده باشد، مضر و بازدارنده از حرکت صحیح و نتیجه بخش است. استقرای ناقص نگارنده در تحقیقات صورت گرفته در این زمینه نشان می دهد اکثر قریب به اتفاق تحقیقات، با نگاه غربی وارد بحث سبک زندگی شده، گام اول تحقیق؛ یعنی بررسی مبانی نظری موضوع و آشنایی با ماهیت و چیستی سبک زندگی را مبتنی بر نگاه غربی استوار کرده اند و گامهای بعدی تحقیق نیز بر اساس همان نگاه پی ریزی و تدوین شده است.

بی تردید، یکی از عمده ترین و شاید اصلی ترین مباحث نظری مربوط به تحقیقات در حوزه سبک زندگی، تعریف ماهیت و چیستی سبک زندگی است که هر گونه قالب بندی نظری برای آن و بر اساس نوع نگاه های مختلف، تأثیر تام و تمام در شاکله مباحث بعدی خواهد داشت. لذا به عنوان مثال عینی، تحقیقی که در موضوع سبک زندگی بر پایه تعریف گیدنز (1938) یا بوردیو (1979) از سبک زندگی - که در مباحث قبلی ذکر شد - بنا نهاده شود، هی چگاه نخواهد توانست از غایت و هدفی همچون کسب آرامش روانی از نوع معنوی و ارتقا و کمال روح انسانی یا از اولویت ها و شاخص های سنجه ای وضعیت سبک زندگی همچون: میزان ارتباط با خدا یا خویشاوندان از حیث توجه به صلۀ رحم و نگاه اسلامی به جایگاه مقدس خانواده و به خصوص پدر و مادر در آن یا از ارزشهایی همچون: ایثار، تواضع، برکت مندی زندگی، روزی حلال یا از رفتارهای عبادی همچون امر به معروف و نهی از منکر سخن به میان آورد و به تحقیق و بررسی آنها یا بر اساس آنها بپردازد؛ چرا که در غیر این صورت، با نگاه گذرا به چنین تحقیقی، از فقدان انسجام نظری و عدم

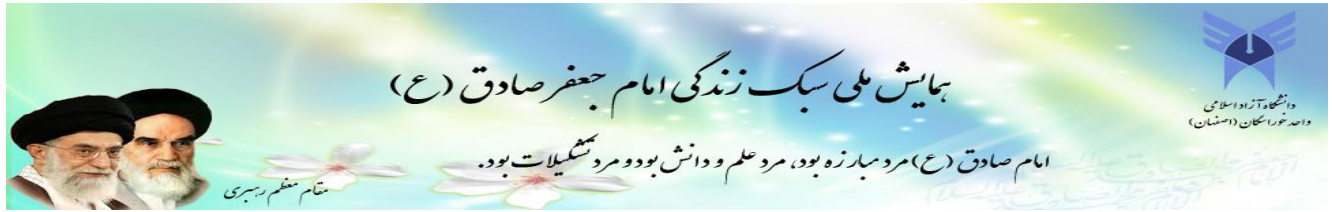


پایبندی به مبانی نظری تحقیق سخن گفته خواهد شد و از اینکه اولویت ها و شاخص های سنجه و اهداف ریل گذاری شده با جهان بینی و تعریف ارائه شده نخستین از سبک زندگی - که مثلاً از بورديو يا گيدنز گفته شده بود - همخوانی ندارد، خرده گرفته خواهد شد. البته عکس این نیز صادق است؛ یعنی محققى که بنای تحقیق خود را بر اساس جهان بینی الهی و نگاه اسلامی - ایرانی به ماهیت و چیستی سبک زندگی استوار سازد، گام های بعدی نیز حسب الزام نانوشته و شاید هم نوشته در دنیای علم و تحقیق، بر اساس همان نگاه طی خواهد شد و امکان ندارد گام های بعدی و تعیین اولویت ها، اهداف غایی، پیشنهادها و شاخص های سنجه حسب نگاه غربی پیموده شود و در عین حال، عنوان تحقیق علمی را یدک بکشد. بنابراین، لازم است:

(۱) محققان اسلامی، تحقیقات علمی خود را در این حوزه، بر پایه تعریف بومی از سبک زندگی مبتنی سازند و از تعریف سبک زندگی حسب تعاریف ذکر شده توسط غربیان به شدت اجتناب کنند.

(۲) ارائه تعریف بومی از سبک زندگی بر اساس جهان بینی و از دید ائمه معصومین بالاخص امام صادق (ع)، امری ضروری است؛ تعریفی که مبتنی بر جهان بینی اسلامی ایرانی بوده، خروجی آن علاوه بر فراهم آوری اهداف مثبت موجود در مباحث سبک زندگی غربی، گامی در جهت ارتقای وضعیت ارزشها و نگرشها بر حسب آموزه های دینی و رفع کاستی ها در این زمینه باشد. این تعریف بایستی رابطه سبک زندگی را با سایر پدیده ها و مفاهیم همجوار نشان دهد.

بنابر این، وظیفه محققان و صاحب نظران این حوزه است تا با بررسی و تعمق در موضوع، به ارائه تعریف بومی از سبک زندگی، با در نظر داشتن شاخصهای جهان بینی الهی و ائمه معصومین و نگرش بومی (اسلامی - ایرانی) اقدام کنند.



بمایش ملی سبک زندگی امام جعفر صادق (ع)

امام صادق (ع) مرد مبارزه بود، مرد علم و دانش بود و مرد و تشکیلات بود.

مقام معظم رهبری

آمدی، عبدالواحد التمیمی (۱۳۶۰). غرر الحکم و درر الکلم. تهران: جامعه طهران. چ سوم
 امام صادق (منسوب به)، مصباح الشریعه، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۴۰ق
 باکاک، رابرت. (۱۳۸۱)، مصرف. ترجمه خسرو صبری. تهران: نشر شیرازه.
 حکیم، سید محمد تقی (۱۳۵۱)، درسهایی از مکتب امام صادق (ع)، تهران، نشر اسلامی
 خامنه ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۲۳)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی
 سیوطی، جلال‌الدین (بی تا). الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر. بیروت، دارالفکر
 شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، الخصال. قم: النشر الاسلامی، ۱۳۶۲
 شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق)، الارشاد. قم: آل البيت.
 طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۴ ق)، مکارم الاخلاق. قم: النشر الاسلامی.
 کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸)، الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چ
 گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
 مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الانوار. بیروت، دار احیاء التراث، چ سوم.
 مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۸۷)، نصایح المواعظ الععدیه، مترجم حاج میرزا احمد جنتی اصفهانی، علمیه قم جلد دوم
 مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۷۴)، آموزش عقاید، ج ۱، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. چ سیزدهم.
 هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۴)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، قم: دایره المعارف الفقه الاسلامی
 بحار الانوار